

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعثت اربعینی
منتظران



مقدمه:	۳
۱- اتحاد	۳
۲- احساس مسئولیت	۴
۳- بسیج مستضعفین و حشدالشعبی	۶
۴- پرچم	۷
۵- جنگ نظامی	۹
۶- جوشش خون امام شهید	۱۰
۷- رزمایش بزرگ	۱۲
۸- جنگ روایت ها	۱۴
۹- دشمن شناسی	۱۶
۱۰- بصیرت؛ مهمترین سلاح منتظران	۱۸
۱۱- امنیت	۲۰
۱۲- امتحان های آخرالزمان و جنگ های امروز	۲۲
۱۳- فتح نهایی	۲۳
۱۴- شهدا	۲۴
۱۵- موااسات و همدلی	۲۶
۱۶- صف ارایی حق و باطل	۲۸
۱۷- حضور خانوادگی	۳۰
۱۹- حضور کودکان و نوجوانان	۳۱
۲۰- موکب داران	۳۲

مقدمه:

تاریخ بشریت از ابتدا همراه با تقابل «حق» و «باطل» در جریان بوده است؛ تقابلی که در گذشته در میدان‌های نظامی نمود داشت؛ و امروز در عرصه‌های پیچیده فکری، رسانه‌ای و جنگ‌های ترکیبی گسترش یافته است. یکی از جلوه‌های جبهه حق، مراسم جهانی اربعین حسینی است، که هر ساله با یک شعار متناسب با شرایط روز جهانی استمرار داشته است. پیاده روی بزرگ اربعین سال ۱۴۰۵ با شعار "مثلی لایبایع مثله" مزین شده است؛ که نمونه بارز روحیه مقاومت و عدم تبعیت و همراهی با ظالمین می باشد، در نوشتار حاضر، قصد داریم با بررسی پیوند میان جلوه‌های اربعین، و بعثت مردم در جنگ تحمیلی سوم، با چشم‌انداز مهدویت، به این مهم برسیم که چگونه بعثت اربعینی منتظران با هم‌افزایی معنایی در موضوعات مختلف، به بازسازی هویت منتظرانه و آماده‌سازی جهانی در راستای ظهور ولایت عظمی می‌پردازد.

۱- اتحاد مقدس

دشمن استکباری در محاسباتش همیشه یک خطای راهبردی دارد؛ او قدرت را در تعداد موشک‌ها، هواپیماها و ناوهای جنگی می‌سنجد، اما قدرتی به نام اتحاد مقدس را دست‌کم می‌گیرد و اگر بداند جامعه‌ای برعلیه آنها متحد شده اند تلاش می‌کند تا آن جامعه متحد را از بین ببرد.

این اتحاد رازی است که در طول تاریخ، حول محور امام حسین (علیه السلام) شکوفا شد و هر سال در مراسم اربعین، میلیون‌ها انسان، آن را استمرار می‌بخشند. اما این اتحاد، اتفاقی نیست؛ بلکه تحقق آن در دوران غیبت، از طریق «نائبان عام امام زمان (علیه السلام) بویژه «ولی فقیه» استمرار یافته است. در واقع، ولایت در دوران غیبت، همان نقطه‌ی اتصالی است که پراکندگی امت را به وحدت تبدیل می‌کند و باعث پیوند دل‌های ما حول محور حق می‌شود و در برابر هر باطلی، استوار می‌ماند.

اربعین، بزرگ‌ترین رزمایش امت اسلامی است؛ رزمایشی که سلاح آن، ایمان، محبت و ولایت است که انسان‌ها را کنار هم قرار می‌دهد. این اتحاد، جنسی متفاوت از ائتلاف‌های سیاسی و نظامی جهان دارد؛ پیوندی است که از سفره‌های ساده مردم تا سنگرهای مقاومت، از خون پاک شهیدان تا لبیک به ولایت، امتداد یافته است. اتحادی که ریشه در توحید دارد و هیچ جایگاهی برای خودخواهی و منفعت‌طلبی در آن نیست.

امروز، در قلب این اتحاد، طنین فریاد امام حسین (علیه السلام) به گوش می‌رسد: «مِثْلِي لَا يُبَاعِ مِثْلُهُ» (کسی مانند من، با کسی مانند او بیعت نمی‌کند). همین کلام است که رهبر شهید، قبل از شهادتش بر آن تأکید داشت؛ اینکه ما وارثان حسین (علیه السلام) هستیم و در وجودمان چنان عزتی نهاده شده، که هرگز در برابر یزیدی‌های زمان، سر خم نمی‌کنیم. این شعار، فقط یک جمله نیست؛ یک «هویت» است. یعنی ما کسانی هستیم که بیعت‌نامه‌مان را فقط با حق امضا می‌کنیم و هرگونه تسلیم در برابر طاغوت را رد می‌کنیم.

تاریخ بارها نشان داده است که هرزمانی که از باطل تبعیت شود، اتحاد از بین می‌رود و در صفوف امت، شکاف ایجاد می‌شود، و دشمن از همان جا وارد می‌شود؛ اما هر زمان که دل‌ها حول محور حق و ولایت به هم پیوست، بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا راهی جز عقب‌نشینی ندارند. امروز در برابر هر تجاوز و تهدیدی، سرمایه حقیقی ما، پیش از هر توان نظامی، همین «وحدت و همدلی» است؛ وحدتی که تفاوت سلیقه‌ها را در برابر حفظ عزت اسلام و ایران کم‌رنگ می‌کند و همه را زیر یک پرچم گرد هم می‌آورد.

این اتحاد و همدلی برخاسته از ایمان، بزرگ‌ترین کابوس دشمنان است؛ زیرا آنان شاید بتوانند در جنگ، خسارات مادی وارد کنند، اما هرگز قادر نیستند روح وحدت و عزت ملتی را که با شعار «مِثْلِي لَا يُبَاعِ مِثْلُهُ» رشد کرده، نابود سازند.

اربعین به ما می‌آموزد که مسیر کربلا، در حقیقت مسیر ظهور است. هر قدمی که برای حفظ وحدت برمی‌داریم، هر دستی که برای یاری برادر مؤمن می‌فشاریم و هر لبیکی که به ندای ولی زمان و نائب ایشان می‌گوییم، گامی در مسیر آماده‌سازی جامعه منتظر است. اگر عاشورا مدرسه ایثار بود، اربعین نمایشگاه وحدت است؛ و همین اتحاد مقدس و ایستادگی در برابر ظالم، سرمایه امت برای عبور از فتنه‌ها و رسیدن به والاترین هدف، یعنی طلوع دولت کریمه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) خواهد بود.

۲- احساس مسئولیت

اربعین، فقط یک پیاده‌روی نیست؛ اربعین یک «مدرسه مسئولیت» است. در این مدرسه، هیچ‌کس تماشاگر نیست. اینجا هر کسی در جایگاه خودش، یک سرباز است؛ یکی با برپایی موکب، یکی با یک لیوان آب، یکی با راهنمایی زائران، دیگری با لبخندی که خستگی را از چهره‌ها پاک می‌کند، و آن که چیزی ندارد با سایه خود، رنج آفتاب را از سر زائری خسته برطرف می‌کند. شکوه اربعین از همین جا می‌آید: از اینکه هر انسان، خودش را در برابر حرکت امت «مسئول» می‌بیند و می‌فهمد که در این مسیر، هیچ قدمی کوچک نیست.

این احساس مسئولیت، با اتمام مراسم اربعین پایان نمی‌یابد، اگر با فرهنگ «انتظار و مهدویت» همراه باشد؛ انتظار، ایستادن و نظاره کردن نیست؛ بلکه یک حرکت مسئولانه برای ساختن خود و جامعه است. هر یک از ما در هر موقعیت اجتماعی و شغلی که هستیم (خانه‌دار، دانشجو، کارگر، کارمند و...) سهمی در حفظ خیمه ولایت و استحکام جامعه اسلامی داریم.

همان‌طور که در قرآن کریم آمده است: «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه ایشان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند». پس ظهور، یک اتفاق تصادفی نیست؛ بلکه نتیجه‌ی همین «احساس مسئولیت» است. اگر ما در اصلاح اخلاق، رعایت انصاف و دفاع از حقیقت، سهم خود را ادا نکنیم، در واقع راه رسیدن به جامعه آرمانی را مسدود کرده ایم.

در دوران غیبت، این مسئولیت‌های پراکنده نیاز به «رهبر» دارد، تا به نتیجه برسد. اینجاست که «نائبان عام امام زمان علیه السلام» بویژه «ولی فقیه»، نقش قطب‌نما را ایفا می‌کنند. مسئولیت ما در برابر جامعه، تنها زمانی به ثمر می‌رسد که زیر سایه ولایت و در مسیر هدایتی باشد که ما را از پراکندگی در مقابل دشمنان، نجات دهد و به سوی هدفی واحد سوق دهد.

امروز، در روزگار «جنگ روایت‌ها» و آزمون‌های سخت، مسئولیت ما، حفظ امید در دل مردم، تقویت وحدت و پاسداری از آرامش جامعه و پاسداری از استقلال و عزت مسلمین در مقابل دشمنان است. همین‌جاست که شعار امسال، «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ» (کسی مانند من، با کسی مانند او بیعت نمی‌کند)، معنای واقعی خود را پیدا می‌کند.

این کلام امام حسین (علیه السلام) که رهبر شهید نیز قبل از شهادت بر آن تأکید داشتند، به ما می‌آموزد که مسئولیت ما فقط خدمت کردن نیست، بلکه مسئولیت ما این است که امام جامعه را در موقعیتی قرار ندهیم که مانند امام حسین علیه السلام به شهادت برسد و یا در پس پرده غیبت به سر برد؛ در دوران حکومت ولایت فقیه باید همچون حاج قاسم سلیمانی باشیم که راه را برای امام خویش باز می‌کرد و هرگز قدمی در جهت انسداد راه

امام جامعه بر نمی داشت. بنابراین انتظار مسئولیت می آورد؛ و کسی که احساس مسئولیت مهدوی دارد، هرگز نمی تواند در برابر یزیدهای زمان سر خم کند؛ زیرا عزت و شرف، بخشی از مسئولیت ما در برابر امام زمان (عجل الله تعالی فرج الشریف) و نائبان ایشان است.

اربعین، نوعی تمرین یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرج الشریف) می باشد. هر خدمت بی منت، هر قدم برای رفع گرفتاری یک انسان تمرینی برای حضور در سپاه عدالت گستر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) است. اگر امروز در کوچک ترین مسئولیت های فردی و اجتماعی خود امین و دغدغه مند باشیم، فردا شایستگی حضور در مسئولیت های بزرگ جامعه مهدوی را هم خواهیم یافت.

۳- بسیج مستضعفین وحشد الشعبی

اگر خواهیم بزرگ ترین دستاورد مکتب عاشورا را در روزگار ما نام ببریم، باید از «انسان ایثارگر» یاد کنیم؛ انسانی که در برابر سرنوشت امت اسلامی بی تفاوت نمی ماند و سکوت را در برابر ظلم، خیانت می داند. «بسیج مستضعفین» در ایران و «حشد الشعبی» در عراق، هر دو جلوه ای از همین فرهنگ ایثار هستند؛ که ریشه در عاشورا دارد و در مسیر اربعین به شکوفایی می رسد.

اربعین، در واقع تجلی و نمایشگاه بزرگی از همین فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی است. همان گونه که میلیون ها موکب دار و خادم، بی هیچ چشم داشتی برای عزت زائران امام حسین (علیه السلام) تلاش می کنند، فرهنگ بسیجی نیز بر پایه همین «حضور داوطلبانه» شکل گرفته است. در این فرهنگ، انسان ایثارگر فقط در میدان نبرد معنا پیدا نمی کند؛ او در هر کجا که جامعه به او نیاز داشته باشد از حوادث طبیعی و خدمت به مردم گرفته تا دفاع از امنیت و تبیین حقیقت حاضر است.

این نهاد مردمی، در پاسخ به ندای الهی شکل گرفته است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف، ۴)

خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او چنان استوار و هماهنگ ایستاده اند که گویی بنایی نفوذناپذیرند

این «بنیان مرصوص» یا همان بنای نفوذناپذیر، در طول تاریخ حول محور ولایت، از زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا دوران غیبت امام زمان (علیه السلام) شکل گرفته است و این دژ مستحکم بنیان مرصوص در زمان ما، توسط بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در ایران، و حضرت آیت الله العظمی سیستانی (حفظه الله) در عراق، بنا نهاده شد.

این نهاد مقدس، تنها برای خدمت نیست، بلکه برای «حفظ عزت» است. همین جاست که روح شعار امسال، «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ» (کسی مانند من، با کسی مانند یزید بیعت نمی کند)، در رگ های این انسان های جان فدا جاری می شود. براساس این کلام امام حسین (علیه السلام) که رهبر شهید انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (رحمه الله علیه) قبل از شهادت بر آن تأکید داشتند، انسان ایثارگر، در برابر مومنان متواضعانه و در برابر کافران، قدرتمندانه برخورد می کند. منشا این سبک زندگی بسیجی، تنها در بیعت با محور حق است و با داشتن هویت حسینی، هرگونه تسلیم در برابر ظالمان را-ولو به قیمت از دست دادن جان شیرین- رد می کند.

از نگاه مهدوی، این سبک زندگی بسیجی، زمینه ساز تربیت یاران موعود در جهت برپایی حکومت حق است. یاران حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) پیش از آنکه در میدان نبرد شناخته شوند، در میدان خدمت، اخلاص و ولایت مداری آزموده می شوند. هر جوانی که امروز در بسیج یا حشدالشعبی برای حفظ وحدت، دفاع از حقیقت و پاسداری از عزت امت اسلامی قدم برمی دارد، در حقیقت در حال آماده سازی خود برای مسئولیت های بزرگ تر در جامعه آرمانی مهدوی است.

امروز، بسیج مستضعفین و حشدالشعبی، حرکتی صادقانه برای خدمت به مردم، و تلاشی برای حفظ امنیت و ایستادگی در برابر دشمنان است، ادامه همان راهی است که از کربلا آغاز شد و در اربعین گسترش یافت و به دست حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) به کمال خواهد رسید.

۴- پرچم

تاریخ اسلام همیشه با افراشتن پرچم حق علیه باطل همراه بوده است؛ و عاشورا، روایتِ تکان دهنده مردانی است که تا آخرین نفس، پرچم حق را بر زمین نگذاشتند و در طول تاریخ خون هایی ریخته شد، تا پرچم عزت در اهتزاز باقی بماند.

امروز، ما شاهد «جنگ تحمیلی علیه جبهه حق» هستیم؛ و عاشورایی دیگر، در صدای انفجارهای غزه، در استقامت رزمندگان حزب‌الله در لبنان، در شجاعت یمنی‌ها و در ایثار حشدالشعبی در عراق و محوریت ایران اسلامی جاری است. هر جا که مردمی برای دفاع از حقیقت و کرامت انسان به پا شده‌اند و پرچمی را به اهتزاز درآورده‌اند، در واقع اعلام کرده‌اند که راه حق زنده است و امید به پیروزی، هرگز خاموش نمی‌شود.

این پرچم‌های متعدد، که حول محور حق، به یک «جبهه واحد» تبدیل شده‌اند، امروز به وسیله مردم مبعوث شده ایران اسلامی برافراشته شده و به عنوان نماد مقاومت در جهان معرفی شده است.

روح حاکم در این پرچم‌های برافراشته شده هدایت، در شعار امسال اربعین- «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ» (کسی مانند من، با کسی مانند او بیعت نمی‌کند)- نهفته می‌باشد و این روح حاکم، بانمادهایی بر روی پرچم‌ها جلوه گر است.

زیباترین جلوه این حقیقت را می‌توان در اربعین دید. جایی که میلیون‌ها زائر با پرچم‌های متعدد، از ملیت‌ها و زبان‌های گوناگون، در یک مسیر به حرکت درمی‌آیند. این پرچم‌ها تنها یادگار یک حادثه تاریخی نیستند، بلکه نماد وفاداری به راهی هستند که از عاشورا آغاز شد، در میدان‌های جنگ مقاومت تداوم یافت و ان شاءالله به ظهور حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ختم خواهد شد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

فَإِذَا خَرَجَ رَجُلٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثَلَاثُمِائَةِ رَجُلٍ وَ مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

هنگامی که مردی از آنان خروج کند، در حالی که سیصد نفر همراه او هستند و پرچم رسول خدا(ص) را با خود دارد (بحار الأنوار، جلد ۵۱، صفحه ۵۶)

در فرهنگ مهدوی، پرچم‌ها باعث هدایت می‌شوند، و نمادی از عدالت، امنیت و حاکمیت حق است. تمام پرچم‌هایی که امروز در غزه، لبنان، یمن، عراق و ایران در برابر ظلم برافراشته شده‌اند، در حقیقت پیش‌درآمدی برای آن روزی هست که با پرچم‌های یا لثارات الحسین جهان از عدل پر خواهد شد.

در روزگار سختی‌ها و فشارها، آنچه یک ملت را استوار نگه می‌دارد، تنها تجهیزات نظامی نیست؛ بلکه امیدی است که در دل‌ها زنده می‌ماند. پرچم، نماد همین امید است؛ امید به اینکه ظلم ماندگار نیست و باطل هرگز پایدار نمی‌ماند.

اربعین هر سال به جهان یادآوری می‌کند که پرچم عاشورا هرگز بر زمین نمانده است. میلیون‌ها دست آن را حمل می‌کنند، تا روزی که صاحب اصلی پرچم هدایت، حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) آن را بر فراز جهان به اهتزاز درآورد و عصر طلایی عدالت را آغاز کند.

۵- جنگ نظامی

اربعین، فراتر از یک یادواره تاریخی، تجدید میثاقی است با راهی که از خون عاشورا آغاز شد و تا قیام حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) امتداد دارد. امروز که جبهه استکبار با تهاجم نظامی و فشارهای سازمان‌یافته در برابر جبهه مقاومت با محوریت ایران اسلامی، صف‌آرایی کرده است، این نبرد را نباید تنها یک رویارویی سیاسی دید؛ بلکه این، ادامه همان جنگ ابدی حق علیه باطل است. میدانی که در آن، پیروان مکتب حسینی با صبر و ایثار برای یاری آخرین ذخیره الهی، خود را آماده میکنند.

این ایستادگی در برابر تجاوز، ریشه در فرمان الهی دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظُلُمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج، ۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، به سبب آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع داده شده است و خداوند بر یاری آنان تواناست.

این آیه، دفاع در برابر تجاوز را از یک «حق قانونی»، به یک «تکلیف قدسی» تبدیل می‌کند؛ مسیری که امام حسین (علیه السلام) با خون خود در تاریخ ترسیم کرد تا هرگز حق و ستم در یک تراز قرار نگیرند.

اربعین، در واقع مدرسه «هیئات منّا الذله» است. زائر اربعین تنها به سوی کربلا حرکت نمی‌کند، بلکه با هر قدم، پیمانی می‌بندد که در هیچ زمان و مکانی، در برابر سلطه و بندگی غیرخدا سر فرود نیاورد. این روحیه است که امروز در مقاومت ملت‌های آزاده در برابر اشغالگری تجلی یافته است؛ مردانی که آموخته‌اند عزت را به قیمت هر چه باشد بخرند و هرگونه بیعت با طاغوت را، به بهای سربلندی در پیشگاه حق، رد کنند.

در روایات مهدوی، سختی‌ها و حوادث بزرگ، «غربالی» برای شناسایی یاران امام زمان (علیه السلام) هستند. انسان‌هایی که ایمانشان در تلاطم جنگ‌ها استوارتر می‌شود و اراده‌شان چون آهن آبدیده است. این میدان‌های سخت، همان جایی است که «منتظران واقعی» ساخته می‌شوند؛ زیرا انتظار، یک آرزوی منفعلانه نیست، بلکه آمادگی برای نصرت حق در دشوارترین شرایط است.

امام شهید انقلاب اسلامی، پیوند عمیق میان میدان جنگ و یاری امام زمان (علیه السلام) را چنین تبیین کردند: «کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان (علیه السلام) بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت.» این سخن، ما را به این حقیقت می‌رساند که دفاع از کیان اسلامی، در واقع اولین قدم برای به‌رسمیت شناختن خود در رکاب منجی جهانی است.

البته در این مسیر، معیار پیروزی، محاسبات مادی نیست. امام خمینی (رحمه الله علیه) با نگاهی عاشورایی تأکید کردند که «ما مأمور به انجام وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه.» این همان روحیه‌ای است که امام حسین (علیه السلام) با آن در برابر سپاه یزید ایستاد؛ روحیه‌ای که در آن، انجام تکلیف الهی بر هرگونه سود و زیان دنیوی ارجحیت دارد و به همین خاطر بود که حضرت فرمود مثل منی با مثل یزید بیعت نخواهد کرد.

از این منظر، اربعین تنها یک مراسم سوگواری نیست؛ بلکه رزمایش عظیم «قدرت سخت و نرم» در جبهه حق است. میلیون‌ها انسانی که با عشق به سیدالشهدا (علیه السلام) گرد هم می‌آیند، به جهان مخابره می‌کنند که راه حسین (علیه السلام) زنده است و این توده‌ی عظیم، زیر سایه یک هدایت واحد، آماده‌اند تا تمدنی را بنا کنند که پذیرای عدالت جهانی باشد.

امروز هر گامی در مسیر مقاومت، هر ایستادگی در برابر ظلم و هر فداکاری برای حفظ عزت امت اسلامی، تمرینی برای یاری امام عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) است. ملت‌هایی که از مکتب عاشورا الهام می‌گیرند، هیمنه ستمگران را در هم می‌شکنند تا افق تحقق وعده الهی نزدیک‌تر شود؛ وعده‌ای که قرآن کریم آن را چنین نوید داده است:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص، ۵)

«اراده خداوند بر آن است که مستضعفان را وارثان زمین قرار دهد»

اربعین، یادآور همین وعده بزرگ است؛ کاروانی که مقصد نهایی آن، طلوع دولت کریمه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) و برپایی عدالت در سراسر جهان است.

۶- جوشش خون امام شهید

اربعین، تنها یادآور بازگشت کاروان اسرا به کربلا نیست؛ بلکه جلوه ماندگاری حقیقتی است که ثابت کرد خون شهید هرگز بر زمین نمی ماند، بلکه به نهری جاری تبدیل می شود که ملت ها را از خواب غفلت بیدار کرده و صفوف حق را در برابر باطل، منسجم و استوار می سازد. اگر عاشورا با شهادت امام حسین (علیه السلام) اسلام را زنده نگه داشت، اربعین پیام رسان این حقیقت است که خون شهید، آغازگر حرکت توده ها و زمینه ساز پیروزی نهایی جبهه حق است.

این حیات پس از شهادت، سنتی الهی است. قرآن کریم می فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران، ۱۶۹)

گمان نکن کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده باشند؛ بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می یابند.

شهید با گذار از دنیای مادی، از صحنه خارج نمی شود، بلکه به حیاتی اثرگذارتر وارد می شود. خون او، همان چراغ هدایتی است که در تاریک ترین لحظات، مسیر حق را برای گمگشتگان روشن می کند و مایه رسوایی ابدی جبهه باطل می گردد.

شهادت امام شهید انقلاب اسلامی نیز از همین جنس است. دشمن در توهم این است که با حذف شخصیت های اثرگذار، اراده ملت ها را در هم می شکند؛ اما تجربه عاشورا و انقلاب اسلامی به ما آموخت که خون شهید، نه پایان یک راه، بلکه آغاز فصل تازه ای از مقاومت است. همان گونه که شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) وجدان های خفته را بیدار کرد و موجی از قیام های حق طلبانه را پدید آورد،

اربعین به عنوان بزرگ ترین اجتماع ضد ظلم در جهان، نمادی از بیداری امت اسلامی است. میلیون ها انسان از ملیت ها و زبان های مختلف، تنها با محوریت محبت به اهل بیت (علیهم السلام) و نفی نظام سلطه، گرد هم می آیند. این همبستگی، تصویری کوچک از همان وحدت جهانی مؤمنان است که در عصر ظهور به کمال می رسد. یکی از برکات این شهادت عظیم، «بصیرت» است؛ یعنی روشن شدن مرز میان حق و باطل؛ قرآن کریم می فرماید:

قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره، ۲۵۶)

«راه هدایت از گمراهی آشکار شده است»

در روزگار فتنه‌ها، بسیاری از حقایق در غبار تبلیغات و جنگ‌های رسانه‌ای پنهان می‌شوند؛ اما شهادت رهبر، پرده‌ها را کنار زد و حقیقت دشمنی مستکبران با استقلال و ارزش‌های الهی را آشکار ساخت. از این رو، شهادت رهبران الهی چه امام معصوم و چه نایبان آنها که علمای راستین هستند، قدرت تشخیص امت را افزایش داده و زمینه همگرایی ملت‌ها را تحت یک هدایت واحد فراهم می‌کند.

در روایات مهدوی، یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) انسان‌هایی بصیر، استوار و ثابت‌قدم معرفی شده‌اند؛ کسانی که در تلاطم حوادث، حق را از باطل بازمی‌شناسند و در دفاع از حقیقت تردید نمی‌کنند. اربعین، مدرسه تربیت چنین انسان‌هایی است و خون شهید، مهم‌ترین سرمایه این تربیت است. جامعه‌ای که از مکتب شهیدان درس بگیرد، فریب جنگ‌های روانی را نخواهد خورد و با بصیرتی تزلزل‌ناپذیر، مسیر حق را انتخاب می‌کند.

امام خمینی (رحمه الله علیه) با تکیه بر همین سنت الهی فرمودند: «بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود.» این کلام، ترجمان حقیقتی است که هر شهادتی در راه خدا، نهال مقاومت را تنومندتر و دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام‌تر می‌کند.

از این منظر، شهادت امام شهید انقلاب اسلامی را باید در امتداد پیام عاشورا و اربعین تحلیل کرد؛ حادثه‌ای که می‌تواند انسجام ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان را در برابر نظام سلطه افزایش دهد و چهره واقعی دشمنان انسانیت را برای همگان آشکار سازد. شهادت امام خامنه‌ای (رحمه الله علیه) منجر به بعثت مردم در راستای تشکیل امت واحده اسلامی گردید. و تشیع با عظمت و باشکوه پیکر پاک ایشان در کشور عراق زمینه ساز اربعینی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی است. خون پاک قاید عظیم الشان زبان گویای حقیقتی است که جهان را برای پذیرش حکومت عدل مهدوی آماده می‌کند؛ حقیقتی که فریاد می‌زند: راه حق با خون شهیدان جاری است و هرگز متوقف نخواهد شد.

۷- رزمایش بزرگ

اربعین، نمایش اقتدار جبهه حق و بزرگ‌ترین «مانور راهبردی» امت اسلامی برای آمادگی در مسیر تحقق وعده و صحنه تجدید بیعت با آرمان‌ها و تمرین همبستگی مؤمنانی است که خود را برای یاری حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صیقل می‌دهند. در روزگاری که جبهه مقاومت و ملت‌های مستقل با تهدیدات چندجانبه و

فشارهای هدفمند دشمن روبروست، اربعین فریاد می‌زند که پیروزی نهایی، نه در گرو محاسبات مادی، بلکه در گرو ایمان، وحدت و استقامتی تزلزل‌ناپذیر است.

این استقامت، برنامه‌ای الهی برای جامعه منتظر است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران، ۲۰۰)

ای مؤمنان! شکیبا باشید، یکدیگر را به پایداری دعوت کنید، مرزبانی و مراقبت نمایید و تقوای الهی پیشه کنید تا رستگار شوید.

این آیه، نقشه راه عملیاتی برای کسانی است که در برابر تهدیدها، میدان را ترک نمی‌کنند؛ بلکه با «مرزبانی» بر ارزش‌های حق، صفوف خود را منسجم‌تر و نفوذناپذیرتر می‌سازند.

امروز، در حالی که مستکبران تلاش می‌کنند با ترکیب جنگ‌های نظامی، شناختی و رسانه‌ای، اراده ملت‌ها را در هم بشکنند، اربعین پاسخی عملی و تکان‌دهنده به این راهبرد است. حضور میلیون‌ها انسان از ده‌ها ملیت

مختلف، بدون هیچ اجباری و تنها تحت لوای محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، به جهان نشان می‌دهد که قدرت حقیقی از «ایمان و وحدت» سرچشمه می‌گیرد، نه از زرادخانه‌ها و ائتلاف‌های سلطه‌گر. این اجتماع عظیم، در واقع پیش‌نمونه‌ای از «امت واحده» است که در عصر ظهور، زیر پرچم منجی عالم، به کمال می‌رسد.

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است:

لَيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا (الغیبه (للنعمانی)، جلد ۱، صفحه ۳۲۰)

هر یک از شما باید برای قیام قائم، هرچند با آماده کردن یک تیر، خود را آماده کند.

از این منظر، انتظار، یک آرزوی منفعلانه نیست؛ بلکه آمادگی عملی، بصیرت و حضور مسئولانه در دفاع از حق است. اربعین، همین روحیه را در مقیاسی جهانی به نمایش می‌گذارد و به منتظران می‌آموزد که جامعه مهدوی، با انسان‌های مسئول، متحد و بااخلاقی شکل می‌گیرد که در سخت‌ترین شرایط، بر محور هدایت حق استوار می‌مانند.

رهبر شهید انقلاب اسلامی، اربعین را جلوه‌ای از «قدرت نرم» جهان اسلام و نشانه حیات مکتب حسینی می‌دانستند؛ قدرتی که می‌تواند تمام معادلات دشمن را به هم بزند. این حقیقت امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار است؛ زیرا هرچه فشار بر ملت‌های مقاوم افزایش می‌یابد، گرایش جهانی به فرهنگ عاشورا و اربعین

گسترده‌تر می‌شود. دشمن می‌خواهد ملت‌ها را منزوی و پراکنده کند، اما اربعین دل‌ها را به هم نزدیک کرده و سرمایه‌ای عظیم برای مقاومت امت اسلامی می‌آفریند.

اربعین، در واقع مدرسه‌ای است که در آن، انسان‌ها می‌آموزند عزت را بر ذلت ترجیح دهند، و با ظالمین دست بیعت ندهند و برای تحقق عدالت الهی آماده باشند. جامعه‌ای که هر سال چنین رزمایش عظیم مردمی را تجربه می‌کند، ظرفیت بیشتری برای دفاع از حق و مقابله با هرگونه سلطه خواهد داشت.

از این منظر، اربعین را می‌توان «بزرگ‌ترین رزمایش جهانی یاران امام زمان (علیه السلام) دانست؛ رزمایشی که سلاحش ایمان، فرمانده‌اش ولایت، شعارش «لبیک یا حسین» و هدف نهایی‌اش، آمادگی برای «لبیک یا مهدی» است. هر قدمی که زائران در این مسیر برمی‌دارند، اعلام وفاداری به جبهه حق و برائت ظالمان است. چنین امتی، اگر بر محور ایمان و بصیرت باقی بماند، نه تنها در برابر تهدیدها استوار خواهد بود، بلکه زمینه‌ساز تحقق وعده قطعی الهی می‌گردد؛ که در سوره قصص آیه ۵ فرمود:

«اراده خداوند بر آن است که مستضعفان را وارثان زمین قرار دهد»

۸- جنگ روایت‌ها

یکی از سرسخت‌ترین میدان‌های نبرد در عصر حاضر، میدان «روایت‌ها» است. اگر دشمن در عرصه نظامی به دنبال تضعیف جبهه حق است، در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی، تلاشی نظامند را برای وارونه جلوه دادن حقیقت به راه انداخته است؛ او می‌کوشد جای شهید و جلاد را عوض کند، چهره ظلم را بپوشاند و ملت‌ها را نسبت به آرمان‌های الهی دچار تردید سازد. اما این نبرد، پدیده‌ای نو نیست؛ نخستین «جنگ روایت‌ها» درست پس از عاشورا آغاز شد؛ آن‌گاه که حکومت اموی تلاش کرد قیام امام حسین (علیه السلام) را یک شورش سیاسی معرفی کند، اما حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) با «جهاد تبیین»، حقیقت عاشورا را از چنگال تحریف رهانیدند و آن را برای همیشه در تاریخ ماندگار کردند. از این منظر، اربعین، بزرگ‌ترین یادمان و تجسم عینی «جهاد تبیین» در تاریخ اسلام است.

این بصیرت در برابر دروغ، ریشه در فرمان الهی دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات،

(۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فردی فاسق خبری برای شما آورد، تحقیق و بررسی کنید، مبدا از روی ناآگاهی به گروهی آسیب برسانید و سپس از کرده خود پشیمان شوید

این آیه، منشور عملیاتی برای مقابله با «جنگ‌های شناختی» است. قرآن به مؤمنان می‌آموزد که در برابر سیل اخبار و تبلیغات، نباید شتابزده قضاوت کنند، بلکه باید حقیقت را از منبع بصیرت بشناسند. در فضای بحران و جنگ، این دستور الهی، سپر دفاعی امت در برابر تحریف‌هایی است که هدفشان سست کردن اراده ملت‌ها و ایجاد فاصله میان مردم و جبهه حق است.

امروز، در کنار رویارویی‌های نظامی، نبردی گسترده در عرصه ادراک جریان دارد؛ نبردی که هدفش تغییر نگاه ملت‌ها به حقیقت و پنهان کردن ماهیت تجاوز است. در مقابل، فرهنگ اربعین به ما می‌آموزد که هر مؤمن، رسالتی زینبی بر دوش دارد: روایت حقیقت و عدم بیعت با ظالمان و افشای چهره ستمگران و جلوگیری از تحریف تاریخ

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا (وسائل الشیعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۰)

«خداوند رحمت کند کسی را که راه و پیام ما را زنده بدارد»

زنده داشتن مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تنها به برگزاری مراسم سوگواری محدود نمی‌شود؛ بلکه تبیین اهداف قیام آنان و روشنگری در برابر تحریف‌ها، والاترین مصداق این روایت است. اربعین، بزرگ‌ترین جلوه این «احیا» است؛ چرا که میلیون‌ها انسان با حضور خود، پیام عاشورا را از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌برند و اجازه نمی‌دهند روایت تحریف‌شده‌ی ظالمان بر افکار عمومی حاکم شود.

رهبر شهید انقلاب اسلامی، این ضرورت را با تأکیدی ویژه بیان کرده و فرمودند: «امروز جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است.» این سخن، ادامه همان رسالت زینبی است. اگر در عاشورا شمشیرها کار خود را کردند، پس از عاشورا این «روایت» بود که تاریخ را ساخت. امروز نیز هر اندازه جبهه حق بتواند حقیقت را با صداقت و عقلانیت تبیین کند، زمینه همگرایی آزادگان جهان و ناکامی جریان‌های سلطه‌طلب بیشتر فراهم خواهد شد. این بصیرت، تنها زمانی حاصل می‌شود که امت، زیر سایه یک هدایت واحد و هوشمند، بتواند لایه‌های پنهان جنگ روایت‌ها را بشناسد و در برابر فریب‌های جهانی، تزلزل‌ناپذیر بماند.

اربعین، تنها اجتماع عزاداران نیست؛ بلکه دانشگاهی جهانی برای تربیت «راویان حقیقت» است. زائر اربعین می‌آموزد که در برابر دروغ، سکوت نکند و در برابر جنگ روانی، امید و حقیقت را زنده نگه دارد. جامعه‌ای که

این روحیه را در خود تقویت کند، در تلاطم فتنه‌های آخرالزمان نیز قدرت تشخیص حق از باطل را خواهد داشت.

از این رو، جهاد تبیین، یکی از حیاتی‌ترین مقدمات ظهور است. حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر(عج) بر پایه آگاهی و پذیرش آگاهانه حق استوار خواهد شد، نه بر اثر غفلت و فریب. هر قدمی که امروز در مسیر روشنگری و مقابله با تحریف برداشته شود، جامعه را برای پذیرش عدالت جهانی آماده‌تر می‌سازد.

۹- دشمن‌شناسی

در منظومه فکری مهدویت و عاشورا، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌ها «شناخت جبهه باطل» است، زیرا بدون شناخت دشمن، نه مقاومت معنا پیدا می‌کند و نه انتظار به درستی فهم می‌شود، اربعین تنها سوگواری بر یک حادثه تاریخی نیست، بلکه تمرین دائمی بصیرت در برابر جریان‌هایی است که حقیقت را تحریف می‌کنند و مسیر امت را از هدف اصلی منحرف می‌سازند، در این نگاه، دشمن‌شناسی صرفاً یک تحلیل سیاسی نیست بلکه یک وظیفه دینی و مقدمه‌ای برای یاری جبهه حق و آمادگی برای ظهور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است. اگر مسلمانان دشمن را به خوبی نشناسند باعث می‌شود با ظالمین دست بیعت دهند چیزی که مخالف اسلام راستین می‌باشد

قرآن کریم در ترسیم رابطه مؤمنان با جریان ظلم و سلطه می‌فرماید:

(وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)

«به ستمگران تکیه نکنید که آتش شما را فرا خواهد گرفت»

سوره هود آیه ۱۱۳

این آیه یک قاعده راهبردی در اندیشه اسلامی است، یعنی کوچک‌ترین وابستگی فکری، سیاسی یا فرهنگی به جریان ظلم، انسان و جامعه را از مسیر حق دور می‌کند، در مکتب اربعین، این اصل به صورت عملی آموزش داده می‌شود، زیرا کاروان حسینی دقیقاً در برابر جریانی ایستاد که با تحریف دین و قدرت رسانه‌ای، چهره حق را وارونه جلوه می‌داد

در زیارت اربعین که از متون اصیل معرفتی شیعه است، مرزبندی روشنی میان جبهه حق و باطل ترسیم می‌شود. در این زیارت در تبیین فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) آمده: وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لَیْسَتْ نَقْدَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلَالَةِ

این فراز نشان می‌دهد که نهضت حسینی برای رهایی انسان از جهل، سرگردانی و گمراهی که جبهه باطل سردمدار آن است شکل گرفته است و اربعین استمرار همان مرزبندی معرفتی است که اجازه نمی‌دهد حقیقت در غبار تبلیغات، تحریف جبهه باطل گم شود. از این منظر، تاریخ همواره عرصه تقابل دو جریان بوده است: جریان ولایت و هدایت، و جریان باطل و انحراف.

در عصر حاضر نیز این تقابل در قالب‌های جدیدی ادامه دارد، جنگ‌ها تنها در میدان نظامی خلاصه نمی‌شوند، بلکه جنگ روایت‌ها، جنگ رسانه‌ای و جنگ شناختی بخش مهمی از نبرد جبهه‌ها را تشکیل می‌دهد، در این فضا، دشمن تلاش می‌کند با تغییر تصویر واقعی از مقاومت، ملت‌ها را نسبت به حقایق دچار تردید سازد، اما فرهنگ اربعین دقیقاً در نقطه مقابل این پروژه قرار دارد و با حضور میلیونی مردم، حقیقت را به صورت زنده و غیرقابل تحریف به جهان نشان می‌دهد.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید:

«وَأَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ»

«حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی»

نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸

شناخت حق، مقدمه شناخت جبهه حق و باطل است، جامعه‌ای که معیار حق را نشناسد، در تشخیص دشمن نیز دچار خطا می‌شود، اربعین با محوریت امام حسین (علیه السلام)، معیارهای حق را زنده نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد مرزها مخدوش شوند.

امام شهید انقلاب اسلامی نیز بارها بر ضرورت شناخت دشمن واقعی تأکید کرده‌اند و اینکه بزرگ‌ترین خطای ملت‌ها، اشتباه گرفتن دوست و دشمن است، این نگاه در امتداد همان منطق عاشورایی است که سکوت در برابر ظلم را مساوی با همراهی با آن می‌داند، بنابراین دشمن‌شناسی در مکتب اربعین، به معنای بیداری دائمی در برابر هر جریان ظلم‌محور است، چه در لباس قدرت نظامی باشد و چه در قالب رسانه و فرهنگ.

جامعه‌ای که می‌خواهد در عصر ظهور در صف یاران حضرت ولی عصر (علیه السلام) قرار گیرد، باید قدرت تشخیص و ایستادگی در برابر جریان باطل را داشته باشد، زیرا یاران امام زمان (علیه السلام) با الگوگیری از علمای راستین در عصر غیبت که نابیان عام حضرت هستند، فریب ظاهر قدرت مادی دشمنان را نمی‌خورند و حقیقت را بر اساس معیار الهی تشخیص می‌دهند.

در زیارت اربعین، تبری از دشمنان اهل بیت (ع) صرفاً برای یک موضع عاطفی ذکر نشده بلکه مقدمه‌ای برای شناخت جبهه حق و باطل و تشخیص مسیرهای انحرافی است. فراز «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ» بیانگر مرزبندی روشن انسان مؤمن با جریان‌هایی است که در برابر حقیقت و ولایت ایستاده‌اند. این فرهنگ، انسان را به بصیرت در برابر جبهه‌ی دشمنان دعوت می‌کند؛ از جمله تقابل میان فرهنگ مهدویت و انتظار با فرهنگ غربی که انسان را از معنویت، عدالت و آرمان‌های الهی دور می‌سازند.

بنابراین اربعین یک مدرسه جهانی دشمن‌شناسی است، مدرسه‌ای که به انسان می‌آموزد دشمن هر جا باشد دشمن است، حتی اگر با شعار عدالت خود را معرفی کند؛ و حق هر جا باشد پیروز است، حتی اگر در ظاهر، شکست به نظر برسد، و همین بصیرت و دشمن‌شناسی است که امت را به سمت وحدت، مقاومت و آمادگی برای ظهور سوق می‌دهد و دل‌ها را برای یاری آخرین منجی الهی آماده می‌کند.

۱۰- بصیرت؛ مهم‌ترین سلاح منتظران

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های جامعه منتظر «بصیرت» است، بصیرت یعنی توانایی تشخیص حقیقت در میان غبار فتنه‌ها و قدرت ایستادن در سمت درست تاریخ، جامعه‌ای که بصیرت نداشته باشد، ممکن است در ظاهر اهل عبادت و شعار دینی باشد، اما در میدان‌های حساس دچار لغزش شود، از همین رو در فرهنگ انتظار، بصیرت نه یک موضوع فرعی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای معرفت به حضرت ولی عصر (علیه السلام) است. قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي)

«بگو این راه من است، من و پیروانم با بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنیم»

سوره یوسف آیه ۱۰۸

این آیه بیانگر این است که دعوت الهی و حرکت در مسیر حق، باید بر اساس آگاهی و شناخت دقیق باشد، نه احساسات لحظه‌ای یا تحلیل‌های سطحی؛ همان گونه که امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان با بصیرت راه خود را انتخاب نمودند، زائر ایشان هم، که تابع آن حضرت است، باید راه خود را با بصیرت همراه سازد.

در مکتب اربعین، زائر تنها با شور و احساسات حرکت نمی کند، بلکه یک انسان آگاه است، که مسیر خود را با شناخت انتخاب می کند و همین آگاهی باعث ثبات قدم او در جبهه حق می شود و او را در برابر تحریف‌ها و جنگ‌های شناختی مقاوم می سازد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

«کسی که زمان خود را بشناسد، شبهه‌ها بر او هجوم نمی آورد»

الکافی، جلد ۱، صفحه ۲۷

این روایت به روشنی بیان می کند که شناخت شرایط زمانه، انسان را از گرفتار شدن در شبهات نجات می دهد، و این شناخت زمان، خود بصیرت است. در زمان امام حسین (علیه السلام)، برخی از مردم دچار شبهات گشتند و نتوانستند راه درست را تشخیص بدهند و خطای محاسباتی آن ها، باعث شد که از پیروی ولی خدا دور شوند. و امروز اربعین تجلی گاه بصیرت افزایی است که در فتنه های آخرالزمانی با تبعیت از ولی فقیه زمان، دچار انحرافات نشویم.

رهبر شهیدانقلاب اسلامی هم مکرر بر بصیرت تأکید داشته اند و آن را شرط عبور از فتنه ها دانسته اند، این نگاه در امتداد همان منطق عاشورایی است که در آن یاران امام حسین علیه السلام با شناخت عمیق، در کنار امام خود ایستادند و در تاریکی فتنه زمانه، راه حق را گم نکردند.

بصیرت به معنای حرکت آگاهانه در مسیر عشق است، و زائر اربعین تنها با پا حرکت نمی کند بلکه با عقل و قلب خود نیز در مسیر حقیقت، قدم برمی دارد، همین ترکیب عقلانیت و ایمان است که جامعه منتظر را می سازد و او را برای یاری امام عصر (علیه السلام) آماده می کند.

در عصر غیبت ممکن است کسی بگوید من از کجا درست یا غلط را تشخیص دهم؟ در این جا اطاعت از علمای

آگاه به زمان، بویژه ولی فقیه می تواند چراغ راه منتظران امام زمان (علیه السلام) باشد، بصیرت مهم ترین سلاح زائر اربعین است، زیرا بدون آن، نه مقاومت معنا دارد، نه وحدت پایدار می ماند و نه انتظار به نتیجه می رسد،

زائری که بصیر باشد، در میان بحران‌ها حقیقت را گم نمی‌کند و در مسیر تحقق عدالت جهانی ثابت قدم می‌ماند.

۱۱- امنیت

امنیت در نگاه اسلام یک مفهوم صرفاً سیاسی یا نظامی نیست، بلکه یک نعمت الهی و بستر اصلی رشد معنویت، عدالت و حرکت جامعه به سمت قله‌های الهی است، در روزگاری که منطقه ما با تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی روبه‌روست، فهم ارزش امنیت و نسبت آن با خون شهدا، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اربعین و مهدویت پیدا می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

(فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ)

پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، همان که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس ایمن ساخت.

سوره قریش آیه ۳ و ۴

این آیات نشان می‌دهد که امنیت، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که حتی در کنار رزق و معیشت ذکر شده، یعنی جامعه‌ای که امنیت ندارد، امکان رشد معنوی و تحقق عدالت در آن نیز مختل می‌شود، از همین رو در نگاه دینی، کسانی که امنیت جامعه را حفظ می‌کنند در حقیقت زمینه عبادت، آرامش و رشد ایمان را فراهم می‌سازند.

در تاریخ اسلام، نمونه روشن این حقیقت را می‌توان در دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دید، زمانی که مسلمانان در مدینه پس از سال‌ها تهدید و جنگ، به آرامش نسبی رسیدند، زمینه برای شکل‌گیری جامعه اسلامی و گسترش معارف الهی فراهم شد، همچنین در کربلا، یکی از پیامدهای شهادت امام حسین (علیه السلام)، بیداری امت و شکل‌گیری جریان‌های مقاومت در برابر ظلم بود که امنیت فکری و هویتی جامعه اسلامی را احیا کرد.

امام علی علیه السلام فرمود:

«نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ: الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ»

«دو نعمت ناشناخته‌اند: سلامت و امنیت»

نهج البلاغه، حکمت ۶

این بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشان می‌دهد که انسان‌ها تا زمانی که امنیت از دست نرود، عمق اهمیت آن را درک نمی‌کنند، اما در لحظه تهدید و بحران، ارزش واقعی آن آشکار می‌شود، در شرایط امروز نیز که ملت‌ها با تهدیدهای نظامی، جنگ‌های نیابتی و عملیات روانی مواجه هستند، این حقیقت بیش از هر زمان دیگری قابل لمس است.

امام خمینی (رحمه الله علیه) امنیت را یکی از پایه‌های استقلال جامعه اسلامی می‌دانستند و معتقد بودند که حفظ کشور اسلامی در برابر تهدیدات، مقدمه حفظ دین و ارزش‌هاست، در همین راستا، نقش شهدا در جنگ‌های تحمیلی ایران تنها دفاع از مرزهای جغرافیایی نبود، بلکه دفاع از هویت، ایمان و استقلال امت اسلامی بود. رهبر شهید انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های خود تأکید می‌کردند که امنیت امروز کشور حاصل مجاهدت شهدا و ایستادگی ملت است و اگر این فداکاری‌ها نبود، دشمنان اجازه رشد و پیشرفت به جامعه اسلامی نمی‌دادند؛ این نگاه نشان می‌دهد که امنیت در فرهنگ اسلامی، یک امر سطحی نیست بلکه یک حقیقت تمدنی است که با ایثار و شهادت حفظ می‌شود اگر در مقوله امنیت و اقتدار دفاعی ضعیف عمل کنیم به قول رهبر شهید به راحتی دشمنان ما را خواهند بلعید و مجبور خواهیم بود زیر یوق و بیعت آنان قرار بگیریم.

از نگاه مهدوی، امنیت یکی از پیش‌شرط‌های اساسی تحقق عدالت جهانی است؛ چراکه حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) بر پایه گسترش عدالت، برقراری امنیت پایدار و زدودن خوف و ناامنی از جامعه انسانی استوار خواهد بود. قرآن کریم در ترسیم وعده الهی به مؤمنان می‌فرماید: «وَلَيَبْذِلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵)؛ یعنی خداوند ترس آنان را به امنیت تبدیل خواهد کرد. این آیه، تصویری از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که در آن اضطراب، ظلم و ناامنی جای خود را به آرامش، امنیت و عدالت می‌دهد؛ جامعه‌ای که در معارف مهدوی به عنوان آرمان‌نهایی بشریت و زمینه تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) معرفی شده است.

در این میان اربعین هم یک جلوه جهانی از امنیت در ساحت‌های مختلف است، میلیون‌ها انسان از کشورهای مختلف با آرامش و بدون ترس در یک مسیر واحد حرکت می‌کنند و این خود نشانه‌ای از قدرت فرهنگ

اهل بیت (علیهم السلام) در ایجاد همبستگی و امنیت اجتماعی است، در واقع اربعین نشان می‌دهد که امنیت واقعی از اجتماع محبین اهل بیت (علیهم السلام) شکل می‌گیرد نه از ابزارهای صرفاً نظامی.

بنابراین امنیت یک امانت الهی است، که با خون شهدا حفظ شده و با استمرار فرهنگ مقاومت ادامه پیدا می‌کند، و هر جامعه‌ای که این حقیقت را درک کند، در مسیر تمدن‌سازی و آمادگی برای ظهور گام برخواهد داشت.

۱۲- امتحان‌های آخرالزمان و جنگ‌های امروز

در نگاه قرآن و روایات، تاریخ بشر همیشه با فتنه‌ها و آزمون‌ها همراه بوده است، اما در دوران نزدیک به ظهور، شدت این امتحان‌ها بیشتر می‌شود و حق و باطل در قالب‌های پیچیده‌تری ظاهر می‌شوند، امروز نیز جنگ‌های نظامی، رسانه‌ای و اقتصادی که علیه ملت‌ها و به‌ویژه ملت ایران شکل گرفته، بخشی از همین سنت الهی آزمون‌هاست که انسان‌ها را از هم جدا می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

(أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند.

سوره عنکبوت آیه ۲

این آیه نشان می‌دهد که ایمان با آزمون، تکامل پیدا می‌کند و جامعه مؤمن باید در میدان فتنه‌ها سنجیده شود، اربعین یادآور همین امتحانات الهی در برابر یزیدیان است، که هنوز ادامه دارد و هر نسل باید در برابر آن موضع خود را مشخص کند. در زمان ما این فتنه‌ها فقط در میدان جنگ نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در قالب جنگ روایت‌ها، تحریم‌ها و فشارهای ترکیبی نیز ادامه دارد، همان‌گونه که در جنگ‌های اخیر علیه ایران، هدف فقط فشار نظامی نیست بلکه سنجش اراده و هویت یک ملت است؛ و ملتی که راه امام حسین علیه السلام را در پیش گرفته است، در فتنه‌ها و آزمون‌ها، پیروز این میدان است.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَمْتَحِنَ اللَّهُ خَلْقَهُ»

«این امر (ظهور) تحقق نمی‌یابد، تا خداوند بندگان را امتحان کند»

الغیبه نعمانی، ص ۲۰۲

این روایت نشان می‌دهد که مسیر ظهور با غریب و امتحان همراه است، تا صف مؤمنان واقعی از دیگرانی که به خاطر دنیای زودگذر عامدانه یا منافقانه دست بیعت با ظالمین داده اند، جدا شود؛ در همین چارچوب، سختی‌ها و جنگ‌ها برای جامعه مؤمن صرفاً تهدید نیست، بلکه بخشی از فرآیند رشد و آمادگی برای آینده روشن مهدوی است.

این امتحان‌ها مقدمه آمادگی برای پذیرش ولایت مهدوی است، زیرا جامعه‌ای که در رفاه و بدون آزمون شکل بگیرد، ظرفیت پذیرش حکومت عدل جهانی را ندارد، بنابراین سختی‌ها، فشارها و جنگ‌ها در واقع بخشی از آماده‌سازی جامعه برای یک تحول بزرگ تاریخی است، در دوران غیبت برای در امان ماندن از شبهات و انحرافات باید از علما و فقهای دین پیروی کنیم؛ به فرموده امام زمان (علیه السلام):

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.
کمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۴۸۳

۱۳-فتح نهایی

در نگاه قرآن، مسیر حرکت انسان‌ها در نهایت به پیروزی مستضعفان و برپایی عدالت ختم می‌شود، در شرایط امروز که ملت‌های مستقل از جمله ایران در برابر فشارها، تهدیدها و جنگ‌های ترکیبی قدرت‌های سلطه‌گر قرار دارند، این وعده الهی به عنوان یک افق روشن در دل همه این سختی‌ها معنا پیدا می‌کند.
قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

«و همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که بندگان شایسته من زمین را به ارث خواهند برد»

سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

این آیه یک قانون قطعی و سنت الهی را بیان می‌کند، یعنی در نهایت حکومت در زمین، به نفع مستضعفان و صالحان رقم می‌خورد، همین نگاه است که امید را در دل ملت‌های آزاده جهان زنده نگه می‌دارد.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است:

«دَوْلَتُنَا آخِرُ الدَّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا قَبْلَهَا»

حکومت ما آخرین حکومت‌هاست و هیچ حکومتی از اهل باطل باقی نمی‌ماند مگر اینکه پیش از آن از میان می‌رود.

الکافی، جلد ۸، ص ۳۶

بله مسیر تاریخ به سمت یک حکومت نهایی و عادلانه حرکت می‌کند، حکومتی که در روایات به عنوان حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی شده است، در این چارچوب، همه تحولات و بحران‌ها در جهان مقدمه‌ای برای رسیدن به آن نقطه پایانی، که فتح نهایی است، رقم می‌خورد.

در تاریخ اسلام نیز نمونه‌های کوچکی از این پیروزی دیده می‌شود، از جمله پیروزی جریان حق پس از سال‌ها فشار بر مسلمانان صدر اسلام در مدینه و سپس گسترش اسلام در جهان، همچنین در تاریخ معاصر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای از تحقق نسبی همین وعده الهی در برابر نظام سلطه جهانی بود.

در این میان رزمایش بزرگ اربعین تنها یک مراسم نیست، بلکه نمایش زنده این وعده الهی است، جایی که میلیون‌ها انسان از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و صرفاً با ایمان و محبت اهل بیت (علیهم السلام) گرد هم می‌آیند و نشان می‌دهند که اراده ملت‌ها می‌تواند در برابر ساختارهای سلطه جهانی بایستد.

بنابراین همه فشارها، جنگ‌ها و بحران‌ها در نگاه الهی پایان یک مسیر نیست بلکه مقدمه رسیدن به فتح نهایی است، فتحی که در آن حقیقت بر باطل غلبه خواهد کرد و زمین به دست صالحان خواهد افتاد.

۱۴- شهدا

شهادت در فرهنگ اسلامی پایان زندگی نیست، بلکه آغاز یک اثرگذاری گسترده در تاریخ است، شهید از یک میدان محدود عبور می‌کند و به جریانی تبدیل می‌شود که می‌تواند ملت‌ها را بیدار کند و مرزهای جغرافیایی را

درنوردد، در شرایط امروز که جبهه استکبار با جنگ‌های مستقیم و غیرمستقیم علیه ملت‌های مستقل از جمله ایران و محور مقاومت فعال است، خون شهدا به عامل انسجام، بیداری و پیوند ملت‌ها تبدیل شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ)

گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده «می‌شوند»

سوره آل عمران آیه ۱۶۹

شهید در منطق قرآن از بین نمی‌رود، بلکه حیات تازه‌ای پیدا می‌کند که آثار آن در جامعه باقی می‌ماند، همین حیات معنوی است که باعث می‌شود خون شهدا در تاریخ اسلام همواره عامل حرکت‌های بزرگ و بیداری امت باشد.

در روایات اسلامی نیز شهادت جایگاه ویژه‌ای دارد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند

«فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

«برتر از هر نیکی، نیکی دیگری است مگر شهادت در راه خدا»

نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۰۹

شهادت اوج کمال انسانی در مسیر بندگی و دفاع از حق است، از همین رو خون شهید نه تنها یک فقدان نیست، بلکه یک سرمایه تمدنی برای جامعه محسوب می‌شود.

مثلا شهادت امام حسین (علیه السلام)، نقطه آغاز یک بیداری جهانی بود، پس از عاشورا، جریان‌های متعدد اعتراضی و فکری در جهان اسلام شکل گرفت، که همگی تحت تأثیر آن حادثه بودند، امروز نیز شهدای مقاومت در امتداد همان مسیر قرار دارند و پیام عاشورا را در قالبی جدید به جهان منتقل می‌کنند.

در شرایطی که جنگ‌های منطقه‌ای و فشارهای سیاسی علیه ملت‌ها ادامه دارد، شهادت رهبر فقیه و عالم انقلاب و فرماندهان و مجاهدان، نه تنها موجب ضعف جبهه مقاومت نشده، بلکه باعث افزایش انسجام، همبستگی و آگاهی ملت‌ها شده است، این همان خاصیت خون شهید است که حقیقت را آشکار می‌کند و چهره جبهه باطل را رسوا می‌سازد.

شهدا سفیران عاشورا نیز هستند، زیرا همان پیامی را که امام حسین (علیه السلام) در کربلا آغاز کرد، در زمانه ما به زبان خون و ایستادگی ادامه می‌دهند، و مانند حضرت زیر بار بیعت با طاغوت نمی‌روند، حضور زائران در اربعین و به دست گرفت تصاویر شهدا در حقیقت تجدید بیعت با همین مسیر است و نشان می‌دهد که فرهنگ شهادت هنوز زنده و اثرگذار است.

خون شهید یکی از مهم‌ترین عوامل آماده‌سازی جامعه برای ظهور است، و فرقی نمی‌کند این شهید از علما که چراغ راه در این دوران ما باشد، مانند شهید شیخ فضل الله نوری، شهید بهشتی، شهید مدنی، شهید اول، شهید ثانی، تا غیر علما از اقشار مختلف جامعه، زیرا جامعه‌ای که با فرهنگ شهادت آشنا باشد، در برابر ظلم سکوت نمی‌کند و در مسیر عدالت جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) ثابت قدم می‌ماند.

۱۵_ مواسات و همدلی

یکی از والاترین آموزه‌های اسلام، «مواسات» و «همدلی» است. اسلام، جامعه مؤمنان را به گونه‌ای ترسیم می‌کند، که افراد آن در شادی و غم یکدیگر شریک باشند و در سختی‌ها، دست یاری به سوی هم دراز کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»

(سوره مائده، آیه ۲)

در نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تجاوز همکاری نکنید

این آیه، یکی از مهم‌ترین اصول زندگی اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند؛ جامعه اسلامی زمانی استوار خواهد بود، که اعضای آن در خیر، نیکی و رفع مشکلات یکدیگر همراه باشند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از نشانه‌های ایمان دانسته و می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

کسی که صبح کند و نسبت به امور مسلمانان بی‌تفاوت باشد، مسلمان واقعی نیست

در روزهای سخت و حوادث بزرگ، ارزش مواسات بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌شود. جنگ اخیر ایران نیز نشان داد که در شرایط دشوار، همدلی، صبر، همکاری و حمایت از آسیب‌دیدگان، از مهم‌ترین عوامل حفظ

انسجام جامعه است. کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده، دلجویی از داغدیدگان، حمایت از نیروهای امدادی و حفظ وحدت، نمونه‌هایی از عمل به دستور قرآن در همکاری بر نیکی و تقواست.

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»

(سوره حشر، آیه ۹)

«آنان دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود نیازمند باشند»

با این آیه، می‌توان حقیقت رفتار یاران امام حسین (علیه السلام) را در کربلا به زیبایی توصیف کرد. آنان در کربلا با جان، مال و همه هستی خود از امام زمان خویش دفاع کردند و اوج وفاداری و مواسات را به نمایش گذاشتند.

در روایتی امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

مَنْ قَضَىٰ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبْدَ اللَّهَ دَهْرَهُ

هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کند، مانند کسی است که یک عمر خدا را عبادت کرده است

وسائل الشیعه، جلد ۱۶، صفحه ۳۶۱

راهپیمایی عظیم اربعین، جلوه‌ای زنده از همین فرهنگ مواسات است. میلیون‌ها انسان از کشورهای مختلف، بدون توجه به قومیت، زبان و ملیت، با عشق به امام حسین علیه السلام گرد هم می‌آیند و با خدمت‌رسانی، پذیرایی و احترام به زائران، روح مواسات را به نمایش می‌گذارند. موکب‌ها نماد ایثار و محبت‌اند و خدمت به زائران، تجلی عملی فرهنگ عاشورا است.

این فرهنگ، پیوندی عمیق با مهدویت نیز دارد. جامعه‌ای که اهل مواسات، عدالت، همدلی و خدمت به مردم باشد، آمادگی بیشتری برای پذیرش حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) خواهد داشت.

در مراسم اربعین افرادی هستند که تمام دارایی خود را بدون هیچ چشم داشتی در راه امام حسین علیه السلام ایثار می‌کنند. این فرهنگ مواسات حسینی می‌تواند فرهنگ مواسات مهدوی و زمینه ساز شود.

امروز، جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند تقویت روحیه مواسات و همدلی است. اگر ایثار را از مکتب عاشورا درس بگیریم، از اربعین فرهنگ خدمت را بیاموزیم و در انتظار ظهور، مسئولیت اجتماعی خود را فراموش

نکنیم، جامعه‌ای خواهیم ساخت، که در برابر سختی‌ها مقاوم، در برابر نیازمندان مهربان و در مسیر تحقق عدالت الهی استوار باشد.

۱۶- صف ارایی حق و باطل

از آغاز آفرینش انسان، همواره دو جبهه در مقابل هم صف آرایی کرده اند؛ جبهه حق و جبهه باطل. که در همه دوران‌ها جریان داشته است و تا برپایی حکومت جهانی عدل ادامه خواهد یافت. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

(سوره اسراء، آیه ۸۱)

«بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ همانا باطل نابودشدنی است»

این آیه، وعده همیشگی خداوند است که هرچند باطل در مقطعی قدرت‌نمایی کند، سرانجام پیروزی از آن حق خواهد بود.

در طول تاریخ، پیامبران الهی و امامان معصوم و در دوران غیبت کبرا، علما و فقهای بزرگ، پرچمداران جبهه حق بوده‌اند و در برابر آنان، مستکبران، ستمگران و طاغوت‌ها صف‌آرایی کرده‌اند. از مقابله حضرت ابراهیم (علیه السلام) با نمرود، تا مبارزه حضرت موسی علیه‌السلام با فرعون و قیام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر مشرکان، تا قیام امام حسین (علیه السلام) تا قیام امام خمینی (رحمه الله علیه) علیه طاغوت، همگی نمونه‌هایی از این نبرد همیشگی میان حق و باطل هستند.

اوج این تقابل در واقعه عاشورا تجلی یافت. در روز عاشورا، امام حسین علیه‌السلام با یارانی اندک اما سرشار از ایمان، در برابر سپاهی ایستاد که از نظر تجهیزات و نفرات برتری داشت؛ اما از حقیقت و عدالت فاصله گرفته بود. امام حسین (علیه السلام) با قیام خود نشان داد که معیار پیروزی، تنها غلبه نظامی نیست، بلکه حفظ حق، کرامت و ارزش‌های الهی است. آن حضرت فرمود:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطِرًا... وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي»

من برای خوش‌گذرانی، برتری‌جویی یا فساد قیام نکردم؛ بلکه برای اصلاح امت جدم قیام کردم

این پیام، مرز میان جبهه حق و باطل را روشن می‌کند؛ حق، در مسیر عدالت، اصلاح و دفاع از کرامت انسان قرار دارد و باطل، بر پایه ظلم، فساد و تجاوز شکل می‌گیرد.

در روزگار ما نیز صف‌آرایی حق و باطل همچنان ادامه دارد. جنگ تحمیلی اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر نشان داد که در شرایط بحران، ملت‌ها با انتخاب‌های اخلاقی و انسانی خود شناخته می‌شوند. در چنین شرایطی، صبر، وحدت، همدلی، دفاع از مردم و تلاش برای کاهش رنج آسیب‌دیدگان، از جلوه‌های ایستادگی در مسیر حق است. در مقابل، گسترش نفرت، ظلم به غیرنظامیان و نادیده گرفتن کرامت انسان، با ارزش‌های دینی و انسانی سازگار نیست.

راهپیمایی اربعین نیز نمایش باشکوهی از جبهه حق است. میلیون‌ها انسان با زبان‌ها و ملیت‌های گوناگون، با عشق به امام حسین (علیه السلام) گرد هم می‌آیند تا پیام عدالت، آزادی، برادری و مقاومت در برابر ظلم را زنده نگه دارند. این اجتماع عظیم نشان می‌دهد که فرهنگ عاشورا همچنان زنده است و می‌تواند ملت‌ها را حول ارزش‌های الهی متحد سازد و بیاموزد که هرگز با دشمنان قسم خورده اسلام نمی‌توان دست دوستی و بیعت داد. قرآن کریم درباره نتیجه نهایی این رویارویی می‌فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(سوره آل عمران، آیه ۱۳۹)

«سست نشوید و اندوهگین نگردید؛ اگر ایمان داشته باشید، شما برترید»

این وعده الهی و امیدبخش، برای همه کسانی است که در مسیر حق استقامت می‌کنند.

سرانجام این نبرد تاریخی، با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) به اوج خود خواهد رسید، که آن حضرت زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»

او زمین را از عدالت و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد

انتظار آمادگی برای حضور در جبهه حق است؛ جبهه‌ای که با ایمان، بصیرت، عدالت‌خواهی، خدمت به مردم، همدلی و ایستادگی در برابر ظلم، دفاع از کرامت انسانی شناخته می‌شود، اما جبهه باطل به دنبال حذف انسان و کرامت انسانیت است، همانطور که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را جبهه باطل تسخیر کرده و نتیجه عملکرد

آن ها به و خاک و خون کشیده شدن هزاران نفر از کودکان غزه و در جنگ تحمیلی سوم ۱۶۸ نفر از کودکان بی گناه در مدرسه شجره طیبه میناب است.

امروز وظیفه هر مسلمان این است که با شناخت حق، حفظ وحدت، دفاع از عدالت، یاری مظلومان و پایبندی به ارزش های الهی، در صف حق قرار گیرد. تاریخ نشان داده است که قدرت های ظاهری پایدار نیستند، اما حق، هرچند با دشواری و آزمون همراه باشد، سرانجام پیروز خواهد شد؛ زیرا وعده خداوند تخلف ناپذیر است.

۱۷_ حضور خانوادگی

در دنیای پر آشوب امروز که نظام سلطه با تمام توان در جنگی ترکیبی و چندلایه، بنیان خانواده را هدف قرار داده است، «حضور در صحنه اربعین» که انتخاب یک تکلیف الهی و راهبردی است، می تواند قدمی در جهت حفظ بنیان خانواده باشد. دشمن با بهره گیری از ابزارهای رسانه ای و تهاجم فرهنگی، درصدد گسستن پیوند خانواده ها با ارزش های اسلامی است. اما حضور خانوادگی و آگاهانه در مراسم با شکوه اربعین به نوعی دفاع از کيان اسلامی است؛ حضوری که یادآور پیوند ناگسستنی میان «خانه» و «خیمه ی ولایت» است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰)؛ این آمادگی، تنها در تجهیزات نظامی خلاصه نمی شود، بلکه به معنای حفظ استحکام درونی جامعه و خانواده است که قدرتمندترین دژ در برابر تهاجم دشمن است.

این حضور خانوادگی در میدان های دفاع، بویژه مراسم اربعین، ریشه در تربیتی دارد، که از حضور امام حسین علیه السلام به همراه خانواده ایشان در کربلا نشأت گرفته است، و در مکتب آن حضرت رشد یافته است. راهپیمایی اربعین، تجلی گاه همین حضور خانوادگی است؛ جایی که زن و مرد، پیر و جوان در کنار هم، مسیر عشق و ایثار را می پیمایند، تا فریاد «هل من ناصر ینصرنی» اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را در جهان طنین انداز کنند و خودشان را برای یاری ولی خدا مهیا نمایند. این پیاده روی خانوادگی در اربعین، گامی در جهت جامعه سازی در راستای تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که در آن خانواده ها نه تنها تماشاگر تاریخ، بلکه سازندگان آن هستند.

اربعین، دروازه ی ورود به ساحت امام زمان (علیه السلام) است. همان طور که در دعای ندبه می خوانیم، امام زمان (علیه السلام) وارث تمامی خون های پاک و آرمان های حسینی است. حضور خانوادگی در اربعین، بیعتی است با امام زمان علیه السلام که با پیوند زدن نسل ها به یکدیگر، جبهه ی حق را برای رویارویی نهایی آماده می سازد. در

واقع، تحمل سختی های سفر اربعین، تمرینی برای پاسداری از ارزش های جهانی مهدوی است. این حضور جمعی در اربعین، که تجلی میدان های جهاد، سیاست و زیارت امام شهید است، جلوه ای از انتظار فعال می باشد. ملتی که الگویش مکتب حسینی باشد، خانواده هایش در راه امام حسین (علیه السلام) استوار می ایستد، و هرگز در جنگ با دشمنان شکست نخواهد خورد، چرا که به وعده ی الهی ایمان دارند:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

(سوره محمد، آیه ۷)

بنابراین حضور خانوادگی در اربعین، با توجه به نصرت و یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پیوند پرچم سرخ حسینی با پرچم سبز مهدوی است، که با امید به آینده ای درخشان، مسیر خود را می پیماید.

۱۹_ حضور کودکان و نوجوانان

اربعین یک میدان تربیت، هویت سازی و آماده سازی نسل آینده برای فهم مقاومت، صبر، مسئولیت پذیری و انتظار فعال است.

وقتی کودک و نوجوان در این فضای معنوی و جمعی قرار می گیرد، با فرهنگ ایثار، خدمت، همدلی و ایستادگی آشنا می شود و به صورت عینی می بیند که دین فقط در سطح شعار و اعتقاد نیست، بلکه در میدان عمل معنا پیدا می کند.

اربعین یکی از مهم ترین زمینه ها برای پرورش نسلی است که بتواند مفهوم «منتظر بودن» را از حالت انفعالی خارج کند و به «انتظار همراه با آمادگی، مسئولیت و حرکت» تبدیل نماید. این نسل باید بیاموزد که ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیازمند یارانی مقاوم، آگاه، رشد و تربیت شده است؛ کسانی که از همان سال های نخست زندگی، با فرهنگ حق طلبی، عدالت خواهی و تحمل سختی آشنا شوند.

از سوی دیگر، با توجه به تجربه جنگ ها و تنش های اخیر، حضور نسل نو در اربعین می تواند به تقویت روحیه مقاومت و درک درست از شرایط تاریخی کمک کند؛ یعنی نوجوان بفهمد که ملت ها در برابر ظلم و تهدید، تنها با قدرت نظامی حفظ نمی شوند، بلکه با ایمان، همبستگی، شناخت دشمن، و آمادگی روحی و فرهنگی و تبعیت از امام جامعه - که در دوران غیبت ولی فقیه عهده دار آن است - می تواند پایدار بماند.

اربیین مدرسه‌ای برای ساختن انسان‌هایی است که در برابر بحران، ترس، ناامیدی و تفرقه، تسلیم نشوند و بتوانند در مسیر حق ثابت‌قدم بمانند. بنابراین، حضور کودکان و نوجوانان در اربیین، اگر با آموزش درست، همراهی خانواده و تبیین مفاهیم مهدوی و مقاومتی باشد، نه تنها آسیب‌زا نیست، بلکه سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ساختن نسل منتظر، آگاه و مسئول است و این نسل آماده می‌شود برای آینده‌ای که هم به دفاع از ارزش‌ها برمی‌خیزد و هم به زمینه‌سازی برای ظهور و تحقق عدالت جهانی اهتمام می‌ورزد.

۲۰- موکب داران

موکب‌داران در اربیین، اگرچه به ظاهر چند روزی میزبان زائران هستند؛ اما در نگاه تمدنی مهدوی، آن‌ها را می‌توان «میزبانان حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرج الشریف)» نامید.

در دنیایی که دشمنان مقاومت، با تمام توان به دنبال «تفرقه‌افکنی» و «ناامید کردن ملت‌های مسلمان» هستند، موکب‌ها به سنگرهای مستحکم همدلی تبدیل شده‌اند. وقتی یک موکب‌دار با عشق و تواضع، از زائر پذیرایی می‌کند، یادآور همان مدینه‌ی فاضله‌ای است که قرار است با ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) در کل جهان محقق شود.

موکب‌داری اربیین فراتر از یک خدمت ساده است؛ آن نوعی عبادت جمعی و جهاد نرم به شمار می‌رود. این خادمان مخلص با ارائه غذا، نوشیدنی، محل استراحت و خدمات درمانی، عملاً فرهنگ ایثار و سخاوت را به نمایش می‌گذارند.

جذابیت این حرکت به حدی است که موکب‌ها از کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، هند، پاکستان و حتی کشورهای غربی حضور دارند و تصویری باشکوه از وحدت امت اسلامی را به نمایش می‌گذارند.

موکب‌داران اربیین، سربازان بی‌ادعای امام زمان اند که با عشق خالص، بذریعگی و عدالت را در دل‌های زائران می‌پاشند. حرکتی که هر سال عظمت آن بیشتر به چشم می‌آید و پیام کربلا را به گوش جهان می‌رساند.

همانطور که در جنگ‌های نظامی، «تدارکات و پشتیبانی» نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی دارد؛ موکب‌داران نیز پشتیبانی جبهه مقاومت را بر عهده دارند. آن‌ها با ایجاد این فضای برادرانه، به زائران یاد می‌دهند که در عصر تقابل با استکبار، پیروزی با «وحدت و خدمت ایثارگرانه» به دست می‌آید. موکب داران شعار «مثلی لا یبایع

مثله» را با خدمت رسانی خود به زائران عملا فریاد میزنند و گوش به فرمان عالمان دین، آماده برای هر نوع خدمت و جهادی -چه با جان، چه با مال- می‌باشند.